

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال چهاردهم، شماره سی‌وپنج، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱-۳۵
مقاله پژوهشی (DOI): 10.22034/JIIPH.2023.50285.2299 شناسه دیجیتال

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

نقش شاعران در پیدایش و گسترش باورهای شیعی در دوره تیموری

محمدرضا بنی‌اسدی^۱

طاهره عظیم‌زاده طهرانی^۲

محمود مهدوی دامغانی^۳

چکیده

در دوره تیموریان (حک ۷۷۱-۹۱۳ق) آموزه‌های شیعی بیش‌ازپیش گسترش یافت به طوری که زمینه‌ای برای رسمیت یافتن تشیع در سده بعد توسط صفویان شد. گرایش تیموریان به تصوف که آموزه تسامح از عقاید آنان بوده‌است در این رویکرد تأثیر بسزایی داشته‌است. ضمن اینکه وجود شاعران شیعی به رشد این پدیده افزوده‌است. نقش شاعران شیعه و سنی در پیدایش و گسترش باورهای شیعی سؤال این پژوهش تاریخی است. یافته‌ها بر مبنای بررسی آماری و تحلیل اشعار تعدادی از شاعران شیعه و سنی در دوره تیموریان مشخص کرد: در این دوران، شاعران شیعه‌مذهب با سرودن دیوان‌هایی سرشار از باورهای شیعی، مدح و منقبت امامان دوازده‌گانه، رعایت ادب و تسامح نسبت به باورهای اهل سنت و شاعران اهل سنت با سرودن اشعار فراوان در مدح و منقبت امامان و ستایش حداقلی خلفای سه‌گانه نقش مؤثری در پیدایش و تحکیم باورهای شیعه و گسترش آن مذهب داشتند. به نظر می‌رسد سرودن شعر در ستایش بزرگان تشیع، نشانه فضل، و کم‌کاری در این باب، نشانه کم‌مایگی شاعر تلقی می‌شد و عدم اقبال عمومی اشعار را در پی داشت.

کلیدواژه‌ها: تیموریان، دیوان شعر، تشیع دوازده‌امامی، مدح و منقبت، شاعر.

baniasadi215@gmail.com

ta_azim@yahoo.com

madavi_damghani@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

Role of Poets in the Emergence and Spread of Shiite Beliefs in the Timurid Period

Mohammadreza Bani Asadi¹

Tahereh Azimzadeh Tehrani²

Mahmoud Mahdavi Damghani³

Abstract

During the Timurid period (771–913 Lunar Hijri), Shiite teachings became more widely spread as a basis for the Safavids' recognition of Shiism in the next century. The Timurids' inclination towards Sufism, which is the doctrine of tolerance of their beliefs, has had a great impact on this approach, while the existence of Shiite poets has increased the growth of this phenomenon. The role of Shiite and Sunni poets in the emergence and spread of Shiite beliefs is the question of this historical research. Findings based on statistical analysis and analysis of poems of several Shiite and Sunni poets in the Timurid period identified that in this period, Shiite poets, by composing Poetical works full of Shiite beliefs, praise, and care of the Twelve Imams, observed politeness and tolerance towards Sunni beliefs and Sunni poets by composing many poems in praise of twelve imams and the minimal praise of three caliphs, having an influential role in the emergence and consolidation of Shiite beliefs and the spread of that religion. It seems that the writing of correct poetry by the Shiite elders was considered a sign of grace and lack of work in this regard, a sign of the poet's lack of skill, and it resulted in the general lack of popularity of the poems.

Keywords: Timurids, Poetical work, Shiite, Praise, Poet.

1. Ph.D Candidate in History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran
baniasadi215@gmail.com

2. Associate Professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran (Corresponding Author)
ta_azim@yahoo.com

3. Associate Professor of Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran
madavi_damghani@gmail.com



مقدمه

در سده هفتم هجری با حمله مغول‌ها و سقوط خلافت پانصدساله عباسی، مذهب اهل سنت پشتیبان بزرگی را از دست داد. گسترش تصوف و باورهای شیعی در سده هفتم و هشتم تا حدودی از نتایج این امر بود. گسترش تشیع در این دوران محصول قابلیت‌های ذاتی مذهب تشیع، بی‌اعتمادی مغولان و ایلخانان به اهل سنت به دلیل جنگ خلیفه عباسی با مغولان و هلاکو، و اعتماد نسبی آنان به غیر اهل سنت شامل شیعیان، مسیحیان و ... بود (کریمی، ۱۳۹۴: ۳ و ۵). تیموریان با اینکه خود بر مذهب اهل سنت بودند و از آن حمایت می‌کردند اما مخالفتی با جمعیت روبه‌رشد تشیع نداشتند. عقاید مذهبی حاکمان به شهرها محدود شد و در میان اجتماعات کوچک‌تر رواج نیافت. در مجموع رجال اهل سنت در موقعیتی نبودند که در منازعه با جمعیت روبه‌رشد شیعه پیروز شوند. این منازعات که گاهی در دیوان شاعران منعکس شده‌است بیشتر به نفع تشیع تمام شد (آکا، ۱۳۹۱: ۲۷۱). جامی (د. ۸۹۸ق) در این باره چنین می‌سراید:

ای مغ‌بچه دهر بده جام می‌ام / کامد ز نزاع سنی و شیعه قی‌ام

(جامی، ۱۳۸۹: ۸۹)

جامی که از مقربان دربار بود (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۹) اگرچه مذهب اهل سنت حنفی داشت (اصیل‌الدین واعظ، ۱۳۵۱: ۱۰۱) اما پیوندی نزدیک با طریقت صوفیانه نقشبندیه داشت و بیش از آن که خود را سنی حنفی بنامد خود را پیر طریقت نقشبندیه می‌نامید تا در میانه منازعه شیعه و سنی قرار نگیرد. طریقت نقشبندیه در دوره تیموری بر حیات فکری خراسان سایه افکنده بود. این طریقت مجلس ذکر صوفیانه را لغو و گریه برای شهیدای کربلا و ذکر فضائل ایشان را جانشین آن کرده بود (الشیبی، ۱۳۷۴: ۳۶۲).

نتیجه این سیاست مذهبی تیموریان این بود که باور به امامان دوازده‌گانه به‌عنوان اولیای خدا در کنار حقانیت خلفا در میان جامعه اهل سنت رواج یافت (محبوب، ۱۳۸۳: ۱۲۲۷ / جعفریان، ۱۳۷۹: ۳۵ / ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۷: ۲۸۰ / میرزا ابوالقاسمی، ۱۳۸۷:

۳۴). در این دوران مردم سنی خراسان و شاید ایران، به آموزه‌های شیعی بیش‌ازپیش متمایل شدند و خراسان کانون همزیستی مذاهب بود و نزاع‌های مذهبی به حداقل رسیده بود (جوزانی، ۱۳۹۲: ۶۴) به دلیل وجود همین پدیده است که شیعه یا سنی بودن بعضی از شخصیت‌های دوره تیموری را نمی‌توان به‌یقین تشخیص داد، چنان‌که ملاحسین کاشفی، فرزندش فخرالدین علی و امیر علیشیر نوایی را بعضی شیعه و گروهی سنی دانسته‌اند (واعظ کاشفی، ۱۳۹۰: ۱۰ / نوایی، ۱۳۴۲: ۴۱ مقدمه / شکفته ۱۳۸۷: ۱۷۵ / جعفریان ۱۳۸۶: ۳۲۹ / واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۸۵ و ۸۶).^۱ روزبهان خنجی عالم اهل سنت در دربار نیز کتابی در شرح فضایل و مناقب اهل‌بیت نوشته‌است^۲ (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۷: ۲۸۰). در منار دانیال فارس، اسامی امامان به همراه خلفا آمده‌است که دلیلی بر وجود این باور در این منطقه است^۳ (عابدین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۶).

یکی از گروه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری باورهای جامعه که تاحدودی نقش رسانه‌های امروز را ایفا می‌کردند شاعران بودند. نقش شاعران شیعه و سنی دوره تیموری در پیدایش و گسترش باورهای شیعی چه بود؟ این پرسشی است که در این پژوهش به‌دنبال پاسخ آن خواهیم رفت. گمان می‌رود یکی از بهترین منابع برای بررسی تاریخ اجتماعی دوره تیموری و پیدایش و گسترش باورهای شیعی دیوان‌های شعر باشند؛ مخصوصاً دیوان‌هایی که خارج از دایره دربار نوشته شده‌اند. در این مقاله از تعدادی دیوان شعر دوره تیموری استفاده و به تحلیل و بررسی اشعار مرتبط با این موضوع پرداخته شده‌است.

درباره تیموریان، تاریخ اجتماعی و ادبیات آن دوران کتاب‌ها و مقالات متعددی با توجه به منابع تاریخی، و دیوان‌های شعر منتشر شده‌است که در این پژوهش نیز از آن‌ها استفاده

۱. در مورد مذهب امیر علیشیر نوایی اغلب او را به‌تبع استادش عبدالرحمان جامی از ارادتمندان فرقه نقشبندی و طبعاً سنی دانسته‌اند اما بعضی مانند احسان یارشاطر در کتاب شعر فارسی در زمان شاهرخ، به‌دلیل احترام و کمال توجه او به فرقه شیعه‌مذهب نوربخشیه، شیعه دانسته‌اند. در مورد مذهب ملاحسین کاشفی در مقدمه کتاب *روضه‌الشهدا* شش دلیل در تشیع و هفت دلیل در تسنن او، در هشت صفحه ارائه شده‌است. مذهب فخرالدین علی پسر ملاحسین را نیز به دلیل حضور نشر دائم و رابطه خویشاوندی نزدیک با جامی، گروهی سنی دانسته‌اند اما به‌نظر عده‌ای دیگر حداقل در سی سال آخر زندگی قطعاً اثنی‌عشری بوده‌است.

۲. او مدتی در دربار سلاطین آق‌قویونلو از جمله سلطان یعقوب (د. ۸۹۶ق) و مدتی در دربار شیبانیان از جمله شیبک‌خان ازبک (د. ۹۱۶ق) بوده‌است.

۳. تاریخ بنای این منار سال ۷۸۹ق در شهر خنج به فرمان حاکم هرمز از مریدان شیخ دانیال است.



شد. از جمله:

خانم اعظم جوزانی در مقاله‌ای دلایل گرایش شیعی حکومتگران تیموری را بررسی نموده است. آقایان مهدی یکه‌خانی و وحید عابدین‌پور در مقالات جداگانه‌ای تاریخ اجتماعی شیعیان ایران و پیوند هنر خوشنویسی با تشیع را در این دوران بررسی نموده‌اند. آقای ولی دین‌پرست و همکاران در پژوهشی نقش شاعران و عارفان را در تحول اندیشه سیاسی و حکمرانی در این دوران بررسی کرده‌اند اما این نوشتار به بررسی اشعار مدح و منقبت بزرگان دینی (اعم از شیعه و سنی) در دیوان شاعران شیعه و سنی مذهب دوره تیموری و نقش آن‌ها در پیدایش و گسترش باورهای شیعی، با بررسی آماری و تحلیل داده‌ها می‌پردازد که پژوهش مستقلی در این باب مشاهده نشده است.

منقبت و مرثیه‌سرایی

منقبت شعری است که در ستایش کسی به‌ویژه بزرگان دین سروده شده و مرثیه شعری که در سوگ ازدست‌رفته، به‌ویژه پیشوایان دین سروده شده‌است (دهخدا، ۱۳۶۱: واژه مرثیه و منقبت). یکی از جلوه‌های گسترش باورهای فوق، اشعار مدح و منقبت ائمه در دوره تیموری است. منقبت‌سرایی از دیرباز در شعر فارسی رواج داشته‌است کسای مروزی (زاده ۳۴۱ ق) را کهن‌ترین شاعر منقبت‌سرای دانسته‌اند که قصیده‌ای در مدح امام علی سروده‌است (درخشان، ۱۳۶۴: ۴۴):

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

ناصرخسرو از کهن‌ترین منقبت‌سرایان فاطمی است. در سده هفتم، سعدی نیز به ستایش آل‌رسول پرداخته‌است. قوامی رازی از قدیم‌ترین مرثیه‌سرایان در سوگ شهدای کربلا در سده ششم است (رستاخیز، ۱۳۹۷: ۱۹).

در دوره تیموری منقبت‌سرایی اهل‌بیت پیشرفت چشمگیری داشت به‌طوری‌که حتی شاعران اهل سنت چون جامی، ملامحمد نامی (د. ۹۱۲ ق.) و شاه‌داعی شیرازی (د. ۸۷۰ ق.) نیز به این امر روی آوردند. شاعران چنان در این زمینه کوشیدند که به نظر می‌رسد در میان

اصحاب قلم و شاعران، آن را مایه بزرگی و کمال، و کم‌کاری در باب ستایش امامان را نشانه کم‌مایگی می‌دانستند و عدم استقبال شعر در جامعه را در پی داشت. در این سده شاعران شیعه برای نخستین بار دیوان‌هایی مستقل یا آکنده از مناقب اهل‌بیت سرودند مانند سلیمی تونی (د. ۸۵۴ ق.)، آذری اسفراینی (د. ۸۶۶ ق.)، پیرجمال اردستانی (د. ۸۷۹ ق.) و ابن‌حسام خوسفی (د. ۸۷۵ ق.) که در بیان حماسه دینی در میان شاعران پارسی‌گوی بی‌همتاست (صفا، ۱۳۶۳: ۲۰۱ / یکه‌خانی، ۱۳۹۲: ۸ / سالک بیرجندی، ۱۳۷۲: ۹۶). دامنه شعر منقبتی در سده نهم به‌اندازه‌ای است که با مطالعه آن می‌توان دلیل توفیق صفویان در نشر و رسمیت تشیع را دریافت (یکه‌خانی، ۱۳۹۲: ۸ / ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۰).

۱ نقش شاعران اهل سنت در رواج برخی مبانی اعتقادی شیعه

خلفای سه‌گانه به‌عنوان شاخص‌ترین شخصیت‌های اهل سنت که زیربنای تفاوت اعتقادی اهل سنت با تشیع از آن‌ها نشئت گرفته به حساب می‌آیند و اهل‌بیت(ع) شخصیت‌های بنیادین تفکر شیعه اثناعشری محسوب می‌شوند. در این بخش منقبت این گروه در دیوان‌ها بررسی خواهد شد.

۱-۱ مبانی اعتقادی شیعه و مدح اهل‌بیت در دیوان چند شاعر سنی‌مذهب

۱-۱-۱ عبدالرحمان جامی

در بزرگی جامی همین بس که به گفته برخی محققان، در سده نهم تنها یک شاعر برجسته ظاهر شد که در ممالک فارسی‌زبان از عثمانی تا هندوستان شهرت یافت (صفا، ۱۳۶۳: ۳۵۷). هنگام درگذشت او «خاقان منصور و امیر نظام‌الدین علیشیر و سایر امرا ... تشریف آوردند»، «نعل او را به عیدگاه هرات برده ... دفن نمودند» و امیر مرثیه‌ای در این باب انشا کرد (اصیل‌الدین واعظ، ۱۳۵۱: ۱۰۲ / خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۳۸ / شکفته، ۱۳۸۷: ۱). جامی نماینده طبقه ثروتمند مذهبی، معاشر امیر علیشیر نوایی و از معافیت مالیاتی برخوردار بود و هدایای زیادی از او دریافت می‌کرد، زندگانی را با گشاده‌دستی و آسایش گذراند (صفا، ۱۳۶۳: ۳۵۷). هزینه ماهیانه زندگی‌اش حدود ۸۵۰۰ دینار بود درحالی‌که یک مغازه در خیابان هرات ۳۰۰۰ دینار بود (تاکستن و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۹، ۲۱۲) در بازگشت از سفر

حج، «پنج‌هزار اشرفی منقود و صد هزار دیگر» به خدام قیصر روم در حلب هدیه داد (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۲۶۲).

جامی در ترجیع‌بندی ۹۶بیتی در ۱۲بند (به‌عمد ائمه اطهار) به وصف اهل‌بیت با این مطلع می‌پردازد (جامی، ۱۳۸۹: ۷۱۱):

دست به دامان آل زن که نباشد جز به محمد، مآل آل محمد

او امام علی را «قامع صف ابطال»، کسی که «بوی نبی از او استشمام می‌شود»، «شیر صف‌شکن»، «شاه نجف» و «حیدر» را مترادف «آزادی» می‌داند و «طواف مشهد نجف» را با طواف کعبه مقایسه می‌کند (همان: ۳۶، ۷۹، ۸۵، ۲۱۴، ۴۴۹، ۷۱۰). او هنگام زیارت حرم علوی در سفر به مکه، قصیده‌ای با ۲۱ بیت در نعت امام علی سروده‌است (همان: ۷۲):

اصبحت زائراً لک یا شحنة النجف بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف

و در جایی دیگر قصیده‌ای ۹بیتی در مدح امام علی دارد و ایشان را قافله‌سالار ره عشق می‌داند (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۲۵۹):

جامی از قافله‌سالار ره عشق تو را گر بپرسند که آن کیست؟ علی گوی علی

در سفر حج علاوه بر زیارت بارگاه علوی به زیارت کربلا می‌رود و قصیده‌ای هفت‌بیتی در منقبت ایشان می‌سراید (جامی، ۱۳۸۹: ۹۳):

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین

جامی در یک مثنوی که به وصف خلفا و صحابه می‌پردازد، امام علی را بهتر از همه به علم و وفا می‌داند و در ادامه به اختلاف معاویه و امام علی اشاره کرده و حق را به ایشان می‌دهد (ناصری، ۱۳۸۰: ۳):

حق در آنجا به دست حیدر بودض جنگ با او خطا و منکر بود

و در جایی دگر عدم بیعت معاویه با ایشان را نقص و وبال دانسته‌است. البته او در موردی باور تشیع به حق خلافت ایشان را با تمسخر زیر سؤال می‌برد و عقیده خود را تبیین و توجیه می‌کند.^۱ جامی قصیده ۲۰بیتی فرزدق در وصف امام سجاد را در ۸۶ بیت به فارسی ترجمه کرد^۲ و در منقبت امام رضا نیز قصیده‌ای ۹بیتی سرود (جامی، ۱۳۸۹: ۹۳):

علی بن موسی الرضا کز خدایش رضا شد لقب چون رضا بودش آیین

به‌طور کلی از نظر جامی «مدح اهل بیت درحقیقت مدح مادم است به محبت و مناسبت با ایشان»، حب آل نبی را به گفته امام شافعی بر همگان فرض می‌داند.^۳ او تفسیر آیه «انما یریدالله...» را تطهیر اهل بیت می‌داند.^۴

جامی در مواردی نیز، اشعاری وهن آور در مورد بعضی از صحابه سروده که مورد سرزنش شاعران دیگر قرار گرفته‌است. او بنا بر روایتی ضعیف یا جعلی^۵ ابوطالب، پدر امام علی(ع) را با ابولهب، مقایسه می‌کند (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۹۱):

بود بوطالب آن تهی ز طلب مر نبی را عم و علی را آب
هیچ سودی نداشت آن نسبش شد مقرر، در سقر چو بولهبش

اما این‌گونه اشعار در میان جامعه هرگز مقبول نبود چنان‌که شاعری از اهل سنت شافعی به نام قاضی میدی (د. ۹۱۱ق) جامی را هجو گفته و با ابن‌ملجم قاتل امام مقایسه نموده‌است (واعظ کاشفی، ۲۵۳۶: ۹۱):

آن امام به‌حق ولی خدا اسدالله غالبش نامی

1. <https://ganjooor.net/jami/Yourang/۱-۷/sd۱/sh/۵۸>
2. <https://ganjooor.net/jami/Yourang/۱-۷/sd۱/sh/۱۵۵>
3. <https://ganjooor.net/jami/Yourang/۱-۷/sd۱/sh/۱۵۸>
4. <https://ganjooor.net/jami/Yourang/۱-۷/sd۱/sh/۱۶۰>

۵. امامیه و برخی از اهل سنت به استناد روایات معتقدند ابوطالب پس از علنی شدن اسلام، ایمان آورد (سبحانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۳۷۷). صاحب‌العزیر در ۱۱۰ صفحه، به تحقیق این مطلب پرداخته‌است (حسینی‌سعیدی، ۱۳۸۰: ۳۲، ۳۳).

دو کس او را به جان بیازردند
هر دو را نام عبدرحمان است
یکی از ابله‌هی، یکی خامی
آن یکی ابن‌ملجم، این جامی

۱-۱-۲ شاه‌داعی شیرازی

شاه‌داعی از سادات شافعی‌مذهب و به فضیلت اهل‌بیت معتقد بود. او در فضیلت خلفا و ائمه سخن‌سرایی کرده‌است (شاه‌داعی شیرازی، ۱۳۳۹: ج ۱، یز)، از شریعت خاص گریزان و مشرب صوفیانه را برگزیده بود (همان: ۶۵) و عصبیت را عامل تفرقه بین مسلمانان می‌دانست (همان: ج ۲، ۴۳، ۴۹۸) به شفاعت و ولایت باور دارد و در این باب می‌سراید (همان: ۱۲):

ما را چه چاره جز که تولا بدین کنیم
فردا که هرکسی به شفیعی زنند دست
یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی
دانی کز آن میانه که بی‌شبهه بازرست؟
گوییم ما چو روی درآورد مشکلی
یا مصطفی محمد و یا مرتضی علی

حتی شفاعت امام‌زاده‌ای چون شاهچراغ را وسیله برآورده شدن حاجت خود می‌داند (همان: ۸۶):

به هر مراد که کردی زیارت قبرش
رسی به حاجت خود از خدای بنده‌نواز
او اشعاری در مدح ائمه دارد، راه آن‌ها را حق می‌داند و در این باب با شاعران شیعه برابری می‌کند (همان: ۱۴):

به جان می‌باش همراه ائمه
که راه حق بود راه ائمه
شاه‌داعی حاضر نیست در عالم، کسی را به‌جای ایشان بگیرد چراکه بر غیب احاطه دارند (همان: ۱۳):

کجایید ای عزیزان و توتاهای اهل‌البیت
نگیرید از همه عالم کسی بر جای اهل‌البیت

دشمن اولاد فاطمه و جفاکاران بر اهل‌بیت در این دنیا بدنام‌اند و در حشر، به آتش گرفتار خواهند شد (همان: ۸۵):

وآن ظالمان که ظلم بر این زمره کرده‌اند در حشرشان ببین همه در آتش بلا

در جایی دگر ائمه را با نام ذکر می‌کند (همان: ج ۲، ۸۴):

مرتضی و حسن، حسین و دگر
صادق و کاظم و رضی و تقی
علی بن حسین و باقر جوی
نقی و عسکری و قائم گوی

طبق حدیث ثقلین، قرآن و اهل‌بیت هرگز از هم جدا نمی‌شوند و اگر امیدی به رسول داری این نکته را باید مدنظر داشته باشی (همان: ۷۵):

گر در ره خدا به رسولی امیدوار قرآن و اهل‌بیت به یادش نگاه دار

شاه‌داعی گفته امام شافعی درباره حب اهل‌بیت را به شعر عربی درآورده که آن را معیار قبولی نماز ذکر می‌کند (همان: ۷۵۲):

کفاکم من عظیم‌القدر انکم
من لم یصل علیکم لاصلوٰه له

مؤمن پس از محبت پیامبر، کسی را جز علی که محرم راز ایشان بود بر نمی‌گزیند:

مؤمن پس از محبت پیغمبر خدای
کس را نمی‌گزیند بر مرتضی علی

(همان: ۷۶)

از بعد محمد چو علی کاشف بود
بر ظاهر و باطن همه عارف بود

(همان: ۵۴۴)

مرتضی گفت: من خدا دیدم
چون علی گر نمی‌توان دیدن
وانگهش از یقین پرستیدم^۱
درخور خویش کم ز پرسیدن

(همان: ج ۱، ۱۶۱)

در جایی دیگر، گفتگوی امام صادق و اصحاب را به شعر درآورده و همین مفهوم را در قالبی دیگر بیان کرده‌است:

گفت آری دین موسی راست لن^۲
که علی جد تو در وی داده ره
هست لیکن دین احمد دین من
گفت: لم‌اعبد الهألماره

(همان: ۲۸۷)

آن امام تمام مظهر حق
ظاهر از تو ولایت مطلق

(همان: یح)

شده مظهر اسم اعظم نبی
ظهور عظیم آمده در علی

(همان: ۴۹)

شاه‌داعی حتی به لهجه شیرازی اشعاری را در مدح امام علی سروده است (همان: ج ۲، ۳۷۶). کتاب *المناقب* او به مدح بزرگان اختصاص دارد (همان: ۷۵) که حدود یک‌سوم آن «منقبت مولا علی» است و فقط ۷ بیت به وصف خلفای سه‌گانه، ۱۵ بیت در مدح بزرگان تصوف و بقیه به پیامبر و اهل‌بیت اختصاص یافته‌است. او دشمنان اولاد فاطمه (س) را «کافر» و «سگ» می‌داند که در حشر، به آتش گرفتار خواهند شد: (همان: ۷۶، ۸۵):

۱. اشاره به این حدیث: قال یا امیرالمؤمنین هل رأیت ربک؟ و قال وَّیَلک ما کنْتَ اعبد رباً لم‌اره.

۲. اشاره به قرآن کریم آیه ۱۴۳ اعراف، «قال لن ترانی ...».

کردند هر دو روشنی چشم او هلاک کافر دلان سگ صفت اصل و دل نه پاک

و آن ظالمان که ظلم بر این زمره کرده‌اند در حشرشان ببین همه در آتش بلا

و در جایی دگر برای امام حسن و امام حسین، مثنوی‌ای ۳۵بیتی سروده‌است (همان: ج ۱، ۲۵۷):

این یکی دُرّ حسن دُرّ ثمین وان دگر گوهر، حسین نازنین

ابیاتی در وصف امام حسن (همان: ج ۲، ۷۷):

دادند زهر را به امام زمان حسن با تلخی از جهان به لب آورد جان حسن

در منقبت امام حسین با توجه به حماسه کربلا بیش از سایر ائمه قلم‌فرسایی کرده‌است:

خونی که شد ز حلق حسین آن نه سرسری است از روز قتل تا ابدش هست خون‌گزار

(همان: ۱۷۵)

ای مصطفی که خفته‌ای اما نخفته‌ای از روضه سر برآر و بدین سان ببین حسین

(همان: ۷۷)

گویی ز بر و بحر دگر جوش کرده‌است خون به جورریخته‌ا اهل کربلا

(همان: ۸۵)

فتنه و آشوب و وبال و بلا خون شهیدان ره کربلا

(همان: ج ۱، ۳)

مدح امام صادق در یک حکایت ۲۳بیتی با این مطلع آمده است (همان: ۲۸۷):

جعفر صادق امام المؤمنین می‌شدی با طالب حق همنشین

۱-۱-۳ منصور حافظ

منصور حافظ مرید شاه‌داعی بوده و بیش از ۶۰ مرتبه او را ستایش کرده است. به نظرمی‌رسد زندگی سختی داشته است چراکه از روزگار و جور و ستم حاکمان بسیار شکایت کرده است (منصور حافظ، ۱۳۷۸: ۱۱):

خبر به شاه ولایت ده ای مدینه علم که گشت خطه شیراز، ز اهل ظلم خراب

بیشتر غزل‌هایش در منقبت پیامبر و اهل بیت است اما مدح امام علی در دیوانش جایگاه ویژه‌ای دارد مانند:

محمد است و علی اهل بیت مقصودم اگر حکایت مهر و مه و ستاره کنم

(همان: ۳۵۰)

من خاک پای حیدر و اولاد عترتم پیوسته نیک‌خواه و دعاگوی دولت‌ام
از بهر خلق دشمن اصحاب کربلا تیغ چو آب دارم و موقوف فرصتم

(همان: ۳۵۱)

۱-۱-۴ ملامحمد نامی

نامی در لارستان فارس زندگی کرد و در همان‌جا از دنیا رفت. او صوفی‌مشرّب بود و به نظر می‌رسد باورهای شیعی در وجودش ریشه دوانده بود، از مدح حاکمان بیزار (ملامحمد نامی، ۱۳۸۸: ۱۵۸) و تنها به منقبت بزرگان دینی بسنده کرده‌است (همان: ۹):

نامی چو کرد روی تولا به خاندان او را ز مهر آل‌عبا، مرحبا بس است

او به ستایش اهل‌بیت به‌ویژه امام علی پرداخته و به زبان عربی قصیده‌ای در منقبت ایشان سروده‌است (همان: ۹۴). قصیده‌ای ۱۶بیتی برای امام علی با این مطلع (همان: ۹۵):

چون دارد از طریق محمد نشان علی در علم مصطفی بودم ترجمان علی

و ابیاتی که در عین زیبایی، نشان از دوستی امام علی دارد (همان: ۹):

انت وصی‌النبی، انت وفی سخی انت علی ولی، شاه سلام‌علیک

در بارگاه معرفت و پیشگاه جود ختم رسل محمد و خاتم‌نشان علی

شیر یزدان، شاه مردان، زیب دنیا، زیب دین هم وصی و هم ولی یعنی علی مرتضی

نامی ارادت ویژه‌ای به امام حسین دارد. او ۱۱۷بیت در پنج قصیده با ردیف یا حسین سروده‌است (همان: ۸۳):

داده خبر ز سر نبوت، ولایت مخفی است در تو عالم اسرار یا حسین

(همان: ۸۷)

ای میوه دل اسدالله یا حسین بر تخت ملک فضل، تویی شاه یا حسین

(همان: ۸۴)

ای نور چشم احمد مختار یا حسین ای یادگار حیدر کرار یا حسین

(همان: ۸۵)

۱-۱-۵ محیی لاری (د. ۹۳۳ق)

محبی لاری شاعر منطقه فارس، از شاگردان ملاجلال‌الدین دوانی (د. ۹۰۲ق) بود این دو نفر، هر دو سنی‌مذهب بوده‌اند. محبی لاری در جوانی به حج رفته و جریان این سفر را در قالب مثنوی ۱۲۰۰ بیتی «فتوح‌الحرمین» به سال ۹۱۱ق سروده‌است:

چون به فتوح دل و جان شد سبب کرد فتوح‌الحرمینش لقب

(محبی لاری، ۱۳۷۳: ۹)

محبی لاری بیش از ۱۱۰ بیت در مدح اهل بیت سروده‌است. از جمله می‌توان به مثنوی ۵۰ بیتی در مدح امامان دوازده‌گانه، (همان: ۲۱) مثنوی ۲۵ بیتی درباره امام سجاد، (همان: ۲۹) مثنوی ۳۰ بیتی در وصف امام علی، (همان: ۶۷) و مثنوی پنج‌بیتی درباره «قره‌العین رسول یعنی بتول» اشاره کرد (همان: ۸۶).

۱-۱-۶ هلالی جغتایی (د. ۹۳۶ق)

هلالی جغتایی از شاعران دربار سلطان حسین بایقرا بود (هلالی جغتایی، ۱۳۳۷: ۲۰۳). در اواخر عمر میان شیعیان به سنی و میان سنیان به شیعه مشهور بود: «در خراسانش رافضی و در عراق سنی خواندندی» (همان: ۱۸). حسن بیگ روملو می‌گوید که «بسا مردم سنی‌مذهب متعصب که به سبب مال، او را شیعه گفتند در آن زمان کشته گردید ... و از جمله مقتولان مولانا هلالیست» (روملو، ۱۳۴۷: ۲۲۲). او در حمله عبیدالله‌خان ازبک به هرات گردن زده

شد (اسکندریبیک منشی، ۱۳۷۷: ۴۲). او سروده‌های زیادی در وصف امامان شیعه دارد از جمله شعر زیر که خواننده را ابتدا به یاد خلفای راشدین می‌اندازد (هلالی جغتایی: ۲۲۱):

چار یار تو در مقام نیاز هر یکی شاه چاربالش ناز
کیست آن چارمه به مذهب من؟ علی و فاطمه، حسین و حسن

هلالی، مثنوی پانزده‌بیتی در منقبت امام علی سروده‌است که با باورهای اهل سنت قابل جمع نیست مگر اینکه بپذیریم پس از انقلاب صفویه و در دو دهه آخر زندگی مذهب تشیع اختیار نموده‌است با مطلع (همان: ۲۲۱):

دُر دریای سرمدست علی جانشین محمدست علی

او یک مثنوی با ۱۳۴۲ بیت برای تصوف و امام علی سروده‌است و برخلاف باور اهل سنت از ایشان شفاعت طلب می‌کند (همان: ۲۸۰):

علی را هادی راه خدا کن به حق، خلق جهان را رهنما کن
که بی‌شک هادی راه خدا اوست خلائق را امام و پیشوا اوست
شفاعت کن دری بگشای بر ما گر این در بسته گردد وای بر ما

قصیده‌ای ۳۲بیتی نیز برای امام حسن و امام حسین دارد (همان: ۲۰۶):

ماه، جمال حسن گفت و کمال حسین نظم هلالی گرفت حُسن کمال حسن

۱-۲ مدح خلفای سه‌گانه در دیوان چند شاعر سنی‌مذهب و مقایسه آن با منقبت امامان دوازده‌گانه

شاید به دلیل رواج باورهای شیعی، در دیوان شاعران اهل سنت وصف خلفای سه‌گانه چشم‌گیر نیست. جامی می‌گوید به صحابه باید احترام گذاشت و سخن ناشایست در مورد آنان نباید بر زبان راند:

چه بتر زانکه ابله‌ی ز عوام لب گشاید به سب صحب کرام
 چه بتر زانکه جاهلی ز سفه گوید اندر حق صحابه تبه^۱

او در سفر حج از نزدیک قبر خلفا را دیده‌است اما شعری برای آنان نمی‌سراید درحالی‌که در همین سفر به کربلا و نجف می‌رسد و برای امام علی و امام حسین مناقبی می‌سراید. نسرودن شعر در مدح خلفای سه‌گانه در این سفر شاید کمی عجیب باشد و نشان از عدم مقبولیت و پذیرش این‌گونه اشعار در جامعه آن روزگار داشته باشد به‌ویژه که این سفر در اواخر دوره تیموری است که مقبولیت تشیع فزونی یافته‌است. در دیوان جامی برای اهل بیت ۲۲۸ بیت و برای خلفا سه بیت یافت می‌شود (جامی، ۱۳۸۹: ۷۹):

به صدق صدیق آن شاه دین که بازآورد به راه معذرت اصحاب رده را به قتال
 به فرّ طلعت فاروق و ظلّ او که از آن فرار کردی شیطان مارد محتال
 به شرمگینی عثمان که جیش عسرت را جهاز ساخت به بذل ذخایر اموال

شاه‌داعی، ابوبکر و عایشه، علی و فاطمه را مدح کرده‌است هرچند به تفاوتشان اقرار دارد (شاه‌داعی شیرازی، ۱۳۳۹: ج ۱، ۲۹۶):

گر ابوبکر و علی بودی یکی کس نکردی در تفاضلشان شکی
 عایشه با فاطمه گر همسر است آن زن خواجه چرا، وین دختر است

او با اینکه به تفاوت صحابه پیامبر معتقد است اما کسی را که نظر منفی درباره بعضی صحابه دارد بدکیش می‌داند (همان: ج ۲، ۱۳):

دل از ما دان و دلدار از صحابه منم در مهر هر چار از صحابه
 منم بیزار از آن بدبخت بدکیش که او گشته‌است بیزار از صحابه

1. <https://ganjooor.net/jami/Yourang/۱-۷/sd۱/sh/۱۵۹>

و یا پیروی از تابعین را راه درست می‌داند و تفاوتی بین حنفی یا شافعی بودن نمی‌بیند (همان: ۱۳). قصیده‌ای ۷بیتی «فی منقبه خلفاء الراشدين» سروده‌است (همان: ۷۸):

من چه گویم مناسب خلفا عا جزم از مناقب خلفا

در قصیده‌ای دیگر به زبان عربی، مدح صحابه و ائمه را با یکدیگر آورده‌است که نشان از باورهای شیعی او دارد و اینکه دو عقیده تسنن و تشیع در ایران، در تعادل و موازنه بوده‌اند که در افکار این سید عارف تجلی یافته‌است (همان: ۲۷۳):

و علی صاحب العتیق ابی‌بکر علی القطع اقدم الخلفاء
و علی سائر الصحابه کلا و اهل بیت النبى آل عباء

در دیوان منصور حافظ درباره خلفای سه‌گانه فقط هفت بیت وجود دارد (منصور حافظ، ۱۳۷۸: ۱۶۶، ۳۷۴، ۱۷۴):

هرچه می‌فرماید احسن، هرچه اندیشد صواب چون عمر آن را که رأی مصطفی بخشیده‌اند
با همه عصمت ز عثمان شرم می‌دارد ملک این ملک‌وش را حیای مصطفی بخشیده‌اند

اگر صفای ابی‌بکر جلوه‌گر گردد به راه صدق درآیند اهل شک و گمان
عمر که معدلش روشن است چون خورشید گریز خواسته از پیش سایه‌اش شیطان
زهی منازل عثمان که بود ذوالنورین خلیفه‌ای که خدا کرد تاجش از قرآن

کرد صدیق نثار ره او جان و جهان یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد

محبی لاری در سفر حج، ۴۰ بیت برای بقیع می‌سراید و در دو بیت درباره عثمان می‌گوید (محبی لاری، ۱۳۷۳: ۸۷):

گنبد عثمان که نماید ز دور زین همه یک نور دمد، زان دو نور

در حرم پیامبر نیز مثنوی‌ای ۱۶بیتی سروده که دو بیت آن درباره خلفاست (همان: ۸۵):

یک قدم آن سو نه و جان کن نثار همت عالی طلب از یار غار
بار دگر نه قدمی بیش‌تر قوت اسلام طلب از عمر

او مثنوی‌ای ۱۵بیتی در کنار مسجد فتح سرود و در آن اشاره به چاه عثمان دارد (همان: ۸۹):

پهلوی مسجد چه عثمان بود چه نه، سر چشمه رضوان بود

در یک مثنوی ۱۲بیتی درباره صحابه، به خلفا اشاره‌ای دارد (همان: ۲۰):

عنصر دین آمد از این چار یار عنصر هر چیز چو باشد چهار
قول نبی داده همین را رواج جنتیان را عمر آمد سراج

ملا محمد نامی با چهار بیت در دیوانش خلفا را می‌ستاید (ملا محمد نامی، ۱۳۸۸: ۸، ۶۳، ۲۲۴، ۳۵):

ای سزای آفرینش گفته سبحانت ثنا تا کند صدیق را در غار لاتحزن قرین

به نور سید عالم، خلاصه کونین به حق عزت اصحاب مصطفی هرچار

عالم سردفتر دیباچه الا و لا حاصل از فضلت، عمر را عدل و عثمان را حیا

صدیق با فضل قرین، فاروق را عدلت معین حیدر ز علمت بایقین، عثمان ز حلمت باحیا

در جدول شماره یک، میانی اعتقادی شیعه و منقبت امامان دوازده‌گانه با مدح خلفای سه‌گانه در دیوان شاعران سنتی مذهب مقایسه شده‌است.

جدول (۱) اشعار شاعران اهل سنت درباره امامان و خلفای سه‌گانه

نام شاعر	محل زندگی	وابستگی به حکومت	ابیات دیوان	ابیات مرتبط بامدح و منقبت امامان دوازده‌گانه	ابیات مرتبط با مدح خلفای سه‌گانه
عبدالرحمان جامی	هرات	وابسته	۱۶۰۰۰	۲۲۸ بیت ^۱	۳ بیت
شاه‌داعی شیرازی	شیراز	غیروابسته	۱۳۶۶۱	بیش از ۲۰۰ بیت	کمتر از ۵ بیت
منصور حافظ	شیراز	غیروابسته	۸۵۰۰	بیش از ۴۰۰ بیت	۷ بیت
محبی لاری	لارستان	غیروابسته	۱۲۰۰	بیش از ۱۱۰ بیت	کمتر از ۱۰ بیت
ملاحمد نامی	لارستان	غیروابسته	۳۵۰۰	بیش از ۲۰۰ بیت	۴ بیت
هلالی جغتایی	هرات	وابسته	۵۵۴۰	بیش از ۵۰ بیت	هیچ مورد

در جدول‌های زیر با توجه به فهرست واژگان که در انتهای دیوان‌ها یافت می‌شود اشعار سروده‌شده در منقبت امامان و خلفا مقایسه می‌شود:

دیوان جامی	علی (ع) ^۲	سایر ائمه ^۳	ابوبکر، صدیق	عمر، فاروق	عثمان
تعداد واژه	۳۰	۸	۱	۱	۱



۱. با ترجمه ۸۶ بیتی قصیده فرزدق.

۲. علی و واژگان مرتبط با ایشان (شامل حیدر، شاه نجف، ذوالفقار، نجف و اسدالله).

۳. از امام حسن تا امام زمان همراه با واژه‌های مرتبط مانند شهید کربلا (قصیده‌ای در مدح امامزاده شاهچراغ است که در نظر گرفته نشد).

دیوان شاه‌داعی	علی(ع) ^۱	فاطمه(ع) ^۲	سایر ائمه ^۳	عایشه	ابوبکر، صدیق	عمر، فاروق	عثمان
تعداد واژه	۴۱	۷	۲۴	۱	۲	۱	۱



دیوان منصور حافظ	علی(ع) ^۴	احمد بن موسی، شاهچراغ	ابوبکر، صدیق	عمر	عثمان
تعداد واژه	۵۹۶	۷	۳	۲	۲



دیوان محیی لاری	اهل بیت ^۵	ابوبکر	عمر	عثمان
تعداد واژه	۲۵	۱	۳	۲



دیوان ملامحمد نامی	علی(ع) ^۶	امام حسین(ع) ^۷	سایر ائمه ^۸	ابوبکر، صدیق	عمر، فاروق	عثمان
تعداد واژه	۶۰	۱۱۷	۵۰	۲	۲	۲



دیوان هلالی جغتایی	علی(ع) ^۹	سایر اهل بیت ^{۱۰}	خلفای سه‌گانه
تعداد واژه	۱۱	۷	۰

۱. علی و واژگان مرتبط با ایشان (حیدر، مرتضی‌علی، ذوالفقار).

۲. فاطمه، بتول (البته واژه کوثر با فراوانی پنج بار نیز گاهی به معنی حضرت فاطمه است که در نظر گرفته نشد).

۳. از امام حسن تا امام زمان همراه با واژه‌های مرتبط مانند شهید کربلا (قصیده‌ای در مدح امامزاده شاهچراغ است که در نظر گرفته نشد).

۴. علی و واژگان مرتبط با ایشان (حیدر، مرتضی‌علی، شاه ولایت، شاه نجف، بوتراب و سایر القاب).

۵. شامل اسامی امامان دوازده‌گانه و حضرت فاطمه.

۶. علی و واژگان مرتبط با ایشان (حیدر، مرتضی‌علی، ذوالفقار، صفدر، بولحسن، بوتراب، شاه نجف، شیرخدا، مرتضی، ابن‌عم مصطفی).

۷. البته واژه کربلا را که مرتبط با امام حسین و شهادت ایشان است و هشت‌بار تکرار شده است در نظر نگرفتیم.

۸. از حضرت فاطمه تا امام زمان همراه با واژه‌های مرتبط با آن‌ها مانند حضرت قائم، حجت، مهدی، امام دوازدهم.

۹. علی و سایر واژگان مرتبط با ایشان (حیدر، ذوالفقار، اسدالله، شاه نجف، شیر خدا، مرتضی، شاه اولیا).

۱۰. شامل امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه.

با بررسی دیوان شاعران سنی‌مذهب و ملاحظه جدول‌های بالا به این نتیجه می‌رسیم که مدح اهل‌بیت و حتی امام‌زادگانی چون شاهچراغ در دیوان آن‌ها بسیار بیشتر از مدح خلفای سه‌گانه است و بیشتر مواقع در مدح خلفا به حداقل ممکن اکتفا کرده‌اند. از این مطلب نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که به باور شاعر، این بزرگان برتر از خلفای سه‌گانه هستند اما می‌توان نتیجه گرفت که ستایش خلفا برخلاف اهل‌بیت در آن دوران، چندان معمول نبوده‌است و یا مدح خلفا چندان موردپسند شاعران و جامعه ایران، نبوده‌است و برعکس مدح امامان به‌عنوان اولیای الهی پسندیده بوده‌است؛ بنابراین گسترش باورهای شیعی را در افکار این شاعران مشاهده می‌نماییم و آن‌ها خواسته یا ناخواسته در راه ترویج و تبلیغ آموزه‌های تشیع گام برداشته‌اند.

۲-۲ شاعران شیعه‌مذهب و رواج باورهای شیعی

۱-۲ باورهای شیعی و مدح اهل‌بیت در دیوان چندشاعر شیعه

ابن‌حسام که دور از تختگاه در روستای خوسف^۱ با کشاورزی امرارمعاش می‌کرد (دولتشاه (دولتشاه سمرقندی، ۱۹۰۱: ۴۳۸) به منقبت‌سرایی اهل‌بیت شهره است و دولتشاه سمرقندی (د. ۹۰۰ق) در تذکره‌اش او را ولی حق و رازی در هفت/قلیم او را از اختیار تام می‌نامند (زنگویی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). فقط قصاید او در منقبت امام علی بیش از ۲۷۰۰ بیت است (ابن‌حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۵۷ تا ۲۰۷) از جمله لف‌ونشر ۶۵بیتی با این مطلع (همان: ۱۵۸):

باز چو مستان از سر دستان رفته به بستان بلبل محرم

در قالب مثنوی^۲، دیدگاهش نسبت به امام علی را به نمایش می‌گذارد (همان: ۴۴۲)، او را کامل‌کننده نبوت و هرکه دلش تسلیم او نباشد را نامسلمان می‌داند. به حکم خدا، پس از پیامبر فرمان‌روا و در «شهرعلم» و هرکه روبرویش بایستد «ظالم‌تر از ظالم» است (همان: ۱۹۲، ۲۰۴):

۱. امروزه مرکز شهرستان خوسف در خراسان جنوبی.

۲. یکی از قالب‌های شعری.

ظالم کسی که روی ارادت ز در بتافت ظالم‌تر آن کسی است که دیوار بشکند

(همان: ۱۳۱)

او را با حضرت صالح و سلیمان مقایسه می‌کند که فضلش بر صحابه در حجة‌الوداع به اثبات رسید و جانشین پیامبر شد. دوری از اهل بیت را ارتداد می‌شمارد (همان: ۵۱، ۵۶، ۱۳۵، ۱۳۶). اشعاری در وصف اهل بیت سروده‌است^۱ و آنان را ناخدای کشتی نجات می‌داند:

یارب به حق چارده معصوم متقی آن‌ها که در سفینه چو نوح‌اند ناخدا

(همان: ۲۷)

اما پنج تن آل عبا را بیش از سایر معصومین مدح نموده‌است (همان: ۱۸۱، ۲۰۲، ۴۳۰، ۴۷۲). ترجیع‌بندی ۱۵ بندی در وصف پنج تن:

مرا بس‌اند شفاعت‌کننده در محشر نبی و دختر و داماد و دو گزیده پسر

(همان: ۴۳۰)

ابن حسام قصیده‌ای ۱۶۵ بیتی در مدح حضرت فاطمه سرود (همان: ۲۰۷) و دشمنانش را بداختر می‌نامد:

آن که او با دخت پیغمبر نموده اختلاف آن بداختر، تا ابد خود را بداختر یافته

(همان: ۱۴۳)

از بنی‌امیه به‌ویژه معاویه و یزید، بی‌پرده انتقاد می‌کند و آنان را با سگ و گرگ مقایسه می‌کند چراکه خون امامان حسن و حسین به گردنشان است (همان: ۳۷۸). او در جای دیگری یزید را حرام‌زاده می‌نامد:

۱. مانند مثنوی ۳۵ بیتی در ص ۴۵۳ و قصیده ۵۵ بیتی در ص ۸۴ دیوان ابن حسام.

ای که نپسندی تو لعنت بر یزید آگه نیی ز آنچه اهل‌البیت را، زان سینه^۱ ملعون می‌رسد

(همان: ۱۶۲)

ابن‌حسام در بیان مصیبت کربلا، اشعاری سرود که شاید الهام‌بخش محتشم کاشانی در دهه‌های بعد بوده‌است. او قصیده‌ای ۶۰بیتی در وصف امام رضا و درمدح امام زمان قصیده‌ای ۱۱۷بیتی و ترکیب‌بندهایی با حدود ۲۱۵ بیت سروده (همان: ۱۷۷، ۲۳۴، ۲۳۹، ۳۷۸) و در قصیده‌ای دیگر به نزدیکی ظهور امام اشاره کرده‌است:

شنیده‌ام که ظهور امام نزدیک است از آن ظهور که داند چه می‌شود اظهار؟

(همان: ۲۹۱)

سلیمی تونی، دیگر شاعرخراسانی در پایگاه تشیع، سبزوار می‌زیست. همه دیوانش مضامین دینی و بیشتر ستایش اهل‌بیت و به‌ویژه امام علی است. او در مدح امام علی با قالب‌های گوناگون و گاهی با ابیات طولانی طبع خود را آزموده‌است (سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۷۶، ۹۴، ۹۶، ۲۵۱). ابیاتی از چند قصیده طولانی:

ای سر و سرور، هادی و رهبر، حیدر صفدر، شاه دلاور

قدرت داور، نفس پیمبر، بر همه مهتر، از همه بهتر

یا علی‌العلاء، یا ولی‌الولاء، یا شفیع‌الوری، یا کثیرالعطا

وارث الانبیا، اشرف‌الاولیا، سیدالاصیاء، زبده‌الاصفیاء

سلیمی نیز همچون ابن‌حسام اشعار زیادی، در وصف امام زمان دارد به‌طوری‌که پس‌از مدح علی(ع)، در میان سایر ائمه بی‌مانند است از جمله در یک ترکیب‌بند با حدود ۲۸۰ بیت وقایع ازدواج نرجس خاتون با امام یازدهم، تا دوره غیبت و در یک مثنوی با حدود ۲۰۰ بیت احوال امام زمان را بیان می‌کند (همان: ۲۶۷، ۳۱۹).

۱. به معنی حرام‌زاده.

او برخلاف شاعران سده نهم هیچ میانه‌ای با تصوف ندارد و اهل طریقت نیست بلکه اهل شریعت است و دیوان او درباره احکام فقهی، مطالبی دارد. او برخلاف دیگر شاعران شیعه که بحث‌های کلامی چون امامت در اشعارشان پررنگ است به احکام شرعی نیز پرداخته‌است (همان: ۳۲۹): «جمعی از دوستان که طالبان رسایل دینی بودند التماس نمودند که شرایط نماز و باقی عبادات در مُلک نظم، منتظم سازم تا مبتدیان را رغبت بیشتر و حفظ آسان‌تر باشد». قصیده‌ای در اسرار نماز سروده‌است (همان: ۳۳۱، ۱۹۵) و آرزوی سفر حج داشت هرچند به آرزویش نرسید:

طواف کعبه داریم آرزو لیک در این طاعت نداریم استطاعت

(همان: ۳۴۴)

آذری اسفراینی از آنجاکه در دربار تیمور (د. ۸۰۷ق) و شاهرخ (د. ۸۵۰ق) بود ملاحظه مذهب حاکمان را می‌نمود (آذری اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۴۸) و از خلفا با ادب و احترام یاد می‌کرد. او در دوره بهمنیان شیعه‌مذهب^۱ در هند (حک ۷۴۸-۹۳۴ ق) مدتی را در بیدر، پایتخت^۲ آنان، سپری کرد (شجاعی و همکار، ۱۳۹۰: ۵۵۲؛ وثوقی، ۱۳۹۰: ۱۵). او اشعار زیادی در منقبت اهل بیت، خاصه مولا علی دارد (شجاعی و همکار، ۱۳۹۰: ۷۰۷، ۶۹۹):

آن را که با ولایت او نیست نسبتی خصم من است اگر همه باشد برادرم

هرکس زند دست ارادت به دامنی ماییم و دست و دامن پاک علی و آل

در یک قصیده اعلام می‌کند که هرکس طالب بهشت است باید از مقربان خدا و رسول پیروی کند مقربانی که ختم آن‌ها مهدی (عج) است و در قصیده‌ای دیگر از امامان دوازده‌گانه با این مطلع نام می‌برد:

۱. ظاهراً بهمنیان بر مذهب تشیع و تقابل با اهل سنت تأکید داشتند چنان‌که فیروزشاه بهمنی (حک ۸۰۰-۸۲۵ق) در مخالفت با اعتقاد اهل سنت که متعه را جایز نمی‌دانستند در یک روز هشتصد زن را صیغه کرد (شجاعی و همکار، ۱۳۹۰: ۵۵۱).
 ۲. احمدشاه پایتخت را از گلبرگه به بیدر منتقل کرد (باسورث، ۱۳۸۱: ۶۰۴).

مقتدای خلق بعد از مصطفی پیداست کیست سرور مردان و شاه اولیا پیداست کیست

(همان: ۷۰۲)

آذری نیز ترکیب‌بندی با ۹ بند، شبیه شعرمشهور محتشم‌کاشانی سروده‌است
(آذری‌اسفراینی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). مطلع بند دوم آن چنین است:

روزی که چتر روح به صحرای تن زدند کوس بلا به نام حسین و حسن زدند

در مجموع منقبت اهل بیت در دیوان او، پررنگ است چنان‌که امام علی ۴۳، امام‌رضا ۱۶
و امام زمان ۹ بار تکرار شده‌است (همان: نمایه).

پیرجمال اردستانی در دوره سلطنت شاهرخ تیموری که تیموریان در اوج قدرت و ثبات
سیاسی بودند به دنیا آمد و رشد کرد. او بر مذهب تشیع بود و اشعار زیادی در این باب
سروده است. پیرجمال با سیاست میانه‌ای نداشت اما تلاش می‌کرد با پند و اندرز، حاکمان را
به اجرای عدالت و دستورات اسلام تشویق نماید (دین‌پرست و همکاران، ۱۳۹۸: ۸). او
مسافرت‌های زیادی از شام و حجاز تا ماوراءالنهر انجام داد و در نهایت به سال ۱۷۹۹ق در
زادگاهش در مشاجرهای مذهبی به شهادت رسید (اردستانی، ۱۳۷۶: چهارده). ۲۷ اثر علاوه
بر دیوان شعر به او نسبت داده شده‌است (همان: بیست).

پیرجمال برای تمامی اهل بیت اشعاری سروده‌است اما از آنجاکه صوفی‌مشرک بود، ارادت
ویژه‌ای به امام علی(ع) داشت و منقبت ایشان در دیوان او موج می‌زند مانند:

یار هویدای قدیمی علیست دامن او گیر که شاه غنیست

(همان: ۲۲)

یا در یک رباعی به مدح بارگاه نجف و کربلا می‌پردازد (همان: ۱۸۸):

هرگه که نجف به عشق دل یاد کنیم جان و دل و تن ز غصه آزاد کنیم
هردم که به کربلا به جان سر بنهیم دل‌زنده شویم و جان و دل شاد کنیم

پیرجمال همچون سلیمی تونی از شاعران متشرع بود (دین پرست و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰) و در مجموع همچون سایر شاعران شیعه‌مذهب این دوران، در دیوان شعرش بسیار به منقبت اهل بیت پرداخته‌است چنان‌که امام علی و ترکیبات مرتبط با ایشان (بوتراب، ساقی کوثر، شاه نجف و ...) بیش از ۵۰ بار و سایر اهل بیت بیش از ۳۰ بار در دیوان ایشان تکرار شده‌است (همان: نمایه).

۲-۲ خلفای سه‌گانه در دیوان چند شاعر شیعه و مقایسه آن با منقبت اهل بیت

ابن حسام در اواخر عمر که دهه‌های آخر دولت تیموری است و پایه‌های حکومت را متزلزل می‌بیند از لحنی تندتر استفاده می‌کند. او در ۸۵ سالگی مدح امام علی را ادامه داده، مخالف ایشان را «مادربه‌خطا» می‌نامد (ابن حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۲۹):

او پیشوای راهروان شریعت است
در اصل، مادرش به حقیقت خطا بود
لعنت بر آن که نیست ورا پیشوا علی
آن مُخطیبه که میل خطا داشت با علی

او به ملاحظه حاکمان، در دیوانش از خلفای سه‌گانه با احترام یاد کرده‌است، البته از باور قلبی خود در امر خلافت پس از پیامبر ذره‌ای کوتاه نیامده‌است (همان: ۱۶۴). در ستایش امام علی می‌سراید:

در خلافت، درخلاف مزن
با علی همچو سعد بن وقاص^۱

(همان: ۱۸۰)

و درجایی دیگر در باب خلافت ایشان می‌گوید:

آن کس که در خلافت او اختلاف نیست
دانی که بود بعد نبی، مرتضی علی

(همان: ۱۲۷)

۱. اشاره به طرفداری سعد از عثمان در شورای شش نفره دارد.

اما جانب احتیاط را نگه می‌دارد و سخنی که سبب رنجش حاکمان گردد بر زبان نمی‌راند:

خلفا را نبوده‌ام منکرِ نیستم من بدین گناه مُصرّ

(همان: ۴۲۵)

ابن حسام خلفا را از خلاف به دور می‌شمارد و فتنه قتل عثمان را از بنوتمیم می‌داند:

بنوتمیم خدایشان دهد جزای عمل که قتل و فتنه عثمان ز پیش ایشان خواست

(همان: ۲۱۶)

در ترکیب‌بندی ۴۵بیتی که در منقبت امام زمان سروده است درباره خلفای راشدین چنین می‌سراید (همان: ۳۸۸):

صدق صدیق و عدل فاروقی در ضمیر منیر توسست اظهار
نور تو همچو نور ذوالنورین می‌رساند به آسمان انوار
تیغ تو همچو ذوالفقار علی منهزم کرده لشکر کفار

از خلفا با عنوان چهار رکن خلافت یاد می‌کند (همان: ۲۷) و یا پس از درود بر پیامبر، بر چهار خلیفه نیز درود می‌فرستد (همان: ۴۹۰):

یا رب به چار رکن خلافت که کرده‌اند ارکان دین، قواعد احکامشان به پا

درودی همچو موی مشک‌بارش بر او بادا و یاران هر چهارش

اما در *تاریخ‌نامه پارسی* که مثنوی‌ای حماسی در وصف امام علی است، در داستانی به مذمت و خشونت عمر خلیفه دوم اشاره می‌کند که روزی پیامبر در مسجد نشسته و اصحاب

گرد او بودند. بین اصحاب بحثی درمی‌گیرد بر سر اینکه از میان پهلوانان چه کسی دلاورتر است؟ بین عمر و ابوالمحنج بحث بالا می‌گیرد و عمر با تازیانه به ابوالمحنج حمله می‌کند (ابن حسام خوسفی، ۱۳۸۲: ۶۹):

چو آمد سخن در بلندی ز پست درآمد عمر تازیانه به دست

عمر زان سخن‌ها بر آشوفت سخت یکی تازیانه فروکوفت سخت
چو بسیار شد در میان گفتگوی عمر زد یکی تازیانه به روی

سلیمی تونی ظاهراً رابطه‌ای با حاکمان نداشته‌است زیرا از یک سو در دیوانش ستایشی از حاکمان، خلفا یا تصوف، به‌ویژه نقشبندیّه موردحمایت تیموریان دیده نمی‌شود و از دیگر سو به دلیل وضعیت بد اقتصادی در آرزوی سفر حج باقی ماند. اگر صحبتی از خلفا نموده‌است، هدف اثبات برتری امام علی برایشان بوده‌است از جمله در قصیده‌ای ۱۵۰بیتی، جابر، از یاران پیامبر، در زمان عمر به دزدی متهم می‌شود، عمر دستور مجازات جابر را می‌دهد اما امام علی ثابت می‌کند او بی‌گناه است و طرف مقابل باید مجازات شود (سلیمی تونی، ۱۳۹۰: ۲۰۴):

عمر چون این سخن بشنید از سر شد از علم علی آنجای حیران
بگفتا یا علی گر تو نبودی هلاک من بدی، چندان که می‌دان

در جایی دیگر داستانی در قالب یک مثنوی ۲۰۰بیتی نقل می‌کند که عده‌ای از اهل سنت شافعی و مالکی به شهری وارد شدند که حاکم آن فرزند امام زمان بود. حاکم مناظره‌ای با آن‌ها ترتیب می‌دهد و درنهایت همگی به مذهب شیعه درمی‌آیند (همان: ۳۲۲):

شافعی کرد این سخن‌ها گوش نعره‌ای زد ز شوق و رفت از هوش
ساعتی چون به هوش آمد باز پیش سلطان نهاد روی نیاز
راه اثنی‌عشر گرفتم پیش تا ابد این مراسم مذهب و کیش
چون که حسن مالکی این دید اوهم از طور خویشان گردید

آذری به دلیل ارتباطش با دربار، خلفا را مدح نموده هرچند نسبت به اهل بیت ناچیز است (شجاعی و همکار، ۱۳۹۰: ۶۹۷):

السلام علیک ای صدیق اکبر سلام
السلام ای فاروق اسلام نبی
السلام ای جامع قرآن ذوالنورین دین

السلام ای ثانی‌اثنین نبی اذهما^۱
السلام ای صدر را عدل تو گشته پیشوا
السلام ای بحر علم و معدن حلم و حیا

خاصه آن محرمان درگاهش
یعنی آن هادیان راه خدا

جانشینان مسند جاهش
خلفای خلافت کبری

و در جای دیگر چنین می‌سراید (آذری اسفراینی، ۱۳۸۹: ۵۹):

کدام ملت و دین راست، این‌چنین خلفا
که نیستشان به حیا و به صدق و عدل، عدیل

در دیوان پیرجمال اردستانی هیچ‌گونه نشانی از مدح خلفا یافت نشد و شاید به همین دلیل مورد غضب عبدالرحمان جامی قرار می‌گیرد که درباره‌اش می‌گوید: پیرجمال الهی را دیدیم (جمال یعنی شتران) (اردستانی، ۱۳۷۶: نوزده).

در جدول زیر، مبانی اعتقادی شیعه و منقبت اهل بیت با مدح خلفای سه‌گانه در دیوان شاعران شیعه‌مذهب خلاصه شده است.

نام شاعر	محل زندگی	وابستگی به حکومت	ابیات دیوان	ابیات مرتبط با منقبت اهل بیت	ابیات مرتبط با مدح خلفا
ابن حسام خوسفی	خوسف	غیروابسته	۳۷۵۰۰	بیش از ۳۰۰۰ بیت	حدود ۱۰ بیت
سلیمی تونی	سبزوار	غیروابسته	۶۰۰۰	بیش از ۵۰۰۰ بیت	هیچ مورد
آذری اسفراینی	اسفراین ^۲	وابسته	۴۸۵۴	بیش از ثلث دیوان	۸ بیت
پیرجمال اردستانی	اردستان	غیروابسته	حدود ۵۰۰۰	بیش از ۵۰۰ بیت	هیچ مورد

۱. اشاره به آیه ۴۰ توبه «اذهما فی الغار...».

۲. آذری سفرهای متعددی داشته‌است و در مشهد و هرات و هند زندگی کرده و مدتی را در دربار گذرانده‌است.

با ملاحظه موارد بالا متوجه می‌شویم که نقش شاعران شیعه در گسترش باورهای شیعی با سرودن دیوان‌هایی آکنده از مدح پیامبر و امامان از یک سو، و تسامح و رعایت ادب نسبت به باورهای حاکمان سنی‌مذهب و حتی سرودن اشعاری در وصف خلفای سه‌گانه، از دیگر سو پدیدار می‌گردد. به‌طور کلی در دوره تیموری پیدا کردن متونی که در آن به‌خلفا توهین شده باشد دشوار است.^۱

نتیجه‌گیری

با بررسی دیوان شاعران دوره تیموری متوجه می‌شویم که شاعران نقش مؤثری در رواج باورهای شیعی در جامعه داشته و خود نیز از این تفکر اجتماعی تأثیر پذیرفته‌اند. شاعران سنی‌مذهب به مدح و منقبت اهل‌بیت بسیار متمایل شده بودند و گوی سبقت را از یکدیگر در این میدان می‌ربودند. به نظر می‌رسد جامعه نیز این‌گونه اشعار را بسیار می‌پسندید و کم‌کاری در این باب را نشانه کم‌مایگی شاعر تلقی می‌نمود و از طرف دیگر ستایش خلفای سه‌گانه در دیوان شاعران اهل سنت، بسیار به‌ندرت و به‌صورت حداقلی یافت می‌شود به‌طوری‌که قابل‌مقایسه با مدح و منقبت امامان تشیع در این دیوان‌ها نیست که نشان می‌دهد شاعران و جامعه تمایل چندانی به این امر نداشته‌اند. مجموع موارد فوق سبب شد در دوره تیموریان باورهای شیعی بیش‌ازپیش گسترش یابد و در میان اهل سنت، تفکری متمایل به باورهای شیعی پیدا شود که زمینه‌ساز گسترش تشیع در دوره صفویه شد. نقش شاعران شیعه‌مذهب در این دوران سرودن دیوان‌هایی آکنده از منقبت امامان دوازده‌گانه و گسترش باورهای شیعی در جامعه از یک سو و رعایت ادب و تسامح نسبت به باورهای اهل سنت حاکم از دیگر سو پدیدار می‌شود. در دیوان این شاعران معمولاً ابیاتی انگشت‌شمار، در وصف خلفا یافت می‌شود، بنابراین حاکمان و جامعه اهل سنت نیز به باورهای شیعیان احترام می‌گذاشتند و باورهای شیعی بیش‌ازپیش گسترش یافت.

۱. به‌عنوان نمونه در تذکره شیخ محمد بن صدیق الکججی به خلفا توهین شده‌است (الپلاسی‌الشیرازی، ۱۳۲۶: ۱۳۰ تا ۱۳۲).

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- قرآن کریم
- آذری اسفراینی، نورالدین (۱۳۸۹)، *دیوان آذری اسفراینی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- آکا، اسماعیل (۱۳۹۱)، *تیموریان*، ترجمه اکبر صبوری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۷)، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، تهران، طرح نو.
- ابن‌حسام خوسفی (۱۳۶۶)، *دیوان محمد بن حسام خوسفی*، به کوشش احمد احمدی بیرجندی، اداره حج و اوقاف خراسان.
- _____ (۱۳۸۲)، *تازیان‌نامه پارسی*، تصحیح حمیدالله مرادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- اردستانی، پیرجمال (۱۳۷۶)، *دیوان پیرجمال اردستانی*، به کوشش ابوطالب میرعبادینی، تهران، روزنه.
- اسکندربیک منشی (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به کوشش محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب.
- اصیل‌الدین واعظ، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۳۵۱)، *مقصدالاقبال سلطانیه و مرصدالأمال خاقانیه*، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- الپلاسی‌الشیرازی، حسن بن حمزه (۱۳۲۶)، *تذکره شیخ محمد بن صدیق الکُججی*، ترجمه نجم‌الدین طارمی، تهران، پاکتچی.
- الشیبی، کامل مصطفی (۱۳۷۴)، *تشیع و تصوف*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۸۱)، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، باز.

- تاکستن؛ رویمر؛ فریز؛ فراگنر؛ ویلسن؛ شیمل، آنه‌ماری؛ صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴)، *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، مولی.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۸۹)، *دیوان جامی*، تصحیح محمد روشن، تهران، نگاه.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، قم، حوزه و دانشگاه.
- _____ (۱۳۸۶)، *تاریخ تشیع در ایران*، قم، انصاریان.
- _____ (۱۳۷۵)، *تاریخ تشیع در ایران*، قم، انصاریان.
- حسینی سعیدی، سید ابراهیم (۱۳۸۰)، *علی آئینه حق‌نما*، تبریز، احرار.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳)، *تاریخ حبیب‌السیب فی اخبار افراد بشر*، ج ۴، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام.
- درخشان، مهدی (۱۳۶۴)، *اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگانی و آثار او*، تهران، دانشگاه تهران.
- دولت‌شاه سمرقندی (۱۹۰۱م)، *تذکره الشعراء*، لیدن.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۱)، *لغت‌نامه فارسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- رستاخیز، سید عباس (۱۳۹۷)، *مناقب اهل بیت در شعر کهن فارسی*، قم، مورخ.
- روملو، حسن (۱۳۴۷)، *احسن‌التواریخ*، تهران، کتابخانه صدر.
- زنگویی، حسین (۱۳۸۵)، *شاعران قهستان*، تهران، روزگار.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، *فروع ابديت*، ج ۱، تهران، نشر دانش.
- سلیمی تونی، تاج‌الدین حسن بن سلیمان (۱۳۹۰)، *دیوان سلیمی تونی*، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- شاه‌داعی شیرازی (۱۳۳۹)، *دیوان شاه‌داعی شیرازی*، دوجلدی، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کانون معرفت.

- شجاعی، سیدعباس؛ یوسف‌نژاد، یوسف‌علی (۱۳۹۰)، *موج دریای معرفت (مجموعه مقالات همایش شیخ آذری اسفراینی)*، مشهد، کتابدار توس.
- شکفته، صغری بانو (۱۳۸۷)، *شرح احوال و آثار امیرعلیشیر نوایی*، تهران، الهدی.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، ج ۴، تهران، فردوسی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۳)، *ادبیات عامه ایران*، تهران، چشمه.
- محیی لاری (۱۳۷۳)، *توصیف آثار تاریخی مکه و مدینه و فلسفه مناسک حج در فتوح الحرمین*، به کوشش رسول جعفریان، قم، انصاریان.
- ملامحمد نامی (۱۳۸۸)، *دیوان ملامحمد نامی*، قم، ابتکار دانش.
- منصور حافظ (۱۳۷۸)، *دیوان منصور حافظ*، به کوشش احمد بهشتی شیرازی، تهران، روزنه.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۸۷)، *کتابخانه‌های یادمانی فارس*، تهران، فرهنگستان هنر.
- نوایی، امیر نظام‌الدین علیشیر (۱۳۴۲)، *دیوان امیر نظام‌الدین علیشیر نوایی*، به اهتمام رکن‌الدین همایونفرخ، تهران، کتابخانه ابن‌سینا.
- واعظ‌کاشفی، حسین (۱۳۹۰)، *روضه‌الشهدا*، تصحیح حسن ذوالفقاری و علی تسنیمی، تهران، معین.
- واعظ کاشفی، فخرالدین علی بن حسین (۲۵۳۶)، *رشحات عین‌الحیات*، ج ۱ و ۲، تصحیح علی اصغر معینیان، تهران، نوریانی.
- وثوقی، محمدعلی (۱۳۹۰)، *شیخ آذری اسفراینی احوال و اشعار*، مشهد، کتابدارتوس.
- هلالی جغتایی، بدرالدین (۱۳۳۷)، *دیوان هلالی جغتایی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنایی.

مقالات

- جوزانی، اعظم، «جستاری در علل گرایش شیعی حکومتگران تیموری»، *آینه میراث*، ش ۵۳، ۱۳۹۲.

- دین پرست، ولی؛ صدقی، ناصر؛ کریمی، علیرضا؛ قانعی زوارق، علی، «مفهوم انسان کامل و امکان حکمرانی آن در اندیشه سیاسی عرفای ایرانی سده نهم هجری»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۲۱، ۱۳۹۸.
- سالک بیرجندی، محمدتقی، «جایگاه ابن حسام در ادب فارسی»، *میراث جاویدان*، ش ۱، ۱۳۷۲.
- عابدین پور، وحید؛ فیاض انوش، ابوالحسن؛ اللهیاری، فریدون، «پیوند خوشنویسی و تشیع در عصر تیموریان»، *تاریخ اسلام و ایران*، ش ۲۸، ۱۳۹۴.
- کریمی، علیرضا، «موضع شیعیان نسبت به مغولان»، *تاریخ نامه ایران بعد از اسلام*، ش ۱۱، ۱۳۹۴.
- ناصری، عبدالمجید، «امام علی و تشیع در کلام جامی»، *معرفت*، ش ۴۰، ۱۳۸۰.
- یکه‌خانی، مهدی، «تاریخ اجتماعی شیعیان ایران در دوره تیموریان با تأکید بر آداب و رسوم مذهبی»، *نشریه فرهنگ و پژوهش*، ش ۱۳، ۱۳۹۲.

اینترنت

- <https://ganjoor.net>